

اشاره

این تیمیه یکی از عالمان شناخته شده در دنیای اسلام است، که با افکار و اندیشه خاص خود موجی را در دنیای اسلام ایجاد کرد. گرچه او چندان از سعه صدر بهره‌مند نیست و به گواهی آثارش تحمل افکار مخالف را ندارد، ولی از جمله عالمانی است که اندیشه او هنوز در میان شماری از مسلمانان که به «سلفی‌گری» مشهورند، جایگاه خود را دارد. این مقاله به اختصار در قالب بررسی یکی از فتاوی او موضع‌گیری وی را در برابر دو فرقه نصیری و علویه بررسی کرده است.

فتاوی ابن تیمیه بر ضد فرقه نصیری - علویه^۱

هارون فریمن

*

ترجمه محمدحسین محمدپور

نظر عالمان سنی درباره اقلیتها و فرقه‌های جهان اسلام در قرون وسطی، تأثیر سرنوشت‌سازی بر تصویر کنونی آنها در نزد مردم خاورمیانه دارد. با آنکه امروزه شیعه پنجمین مذهب اسلامی به شمار می‌رود، اما علمای اهل سنت هرگز فرقه‌هایی مانند بهائیه، دروزیه و نصیری - علویه را جزو [فرق] اسلام تلقی نکرده‌اند. طرد این فرقه‌ها به عنوان فرق بدعتگرا

۱. لافی‌دائم از دیویدکوک تشکر کنم که پیش‌نویس اولیه این مقاله را خواند و نکات ارزشمندی را به آن افزود.

۲. مشخصات کتاب‌شناختی این مقاله به شرح زیر است:

Der Islam, "Ibn Taymiyya's Fatawa against the Nusayri - Alawi Sect", Yaron, Friedman, (2005) 82 pp. 349 - 363.

* دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران.





توسط عالمان سنی به آزار و انزوای آنها منجر شد و این روند تا قرن بیستم ادامه داشته است. مورد نصیریه - علویه مورد عجیبی است. اولاً شایعات منفی همیشه به سبب دین و آیین باطنی آنها دامنگیر این فرقه بوده و همواره آن را رازآمیز نگه داشته است. ثانیاً موقعیت این فرقه به طرز شگفت‌انگیزی در نیمه دوم قرن بیستم تغییر کرد تا جایی که به عنصر حاکم و بانفوذی در سوریه تبدیل شد. عقاید آنها و همچنین شرایطی که منجر به قدرت گرفتن این فرقه شد قبلاً بررسی شده است.^۱ هدف ما در این مقاله، بررسی دوباره فتوای دینی یکی از برجسته‌ترین عالمان سنی اواخر قرون وسطی در مورد فرقه نصیریه - علویه است.

فتوای (جمع آن فتاوی، یعنی حکم فقهی) مهم تقی‌الدین احمد بن تیمیه (م ۷۲۳ ق / ۱۳۲۸ م)^۲، متکلم و فقیه سرشناس حنبلی که در محکومیت فرقه نصیریه - علویه و جایگاه آن در اسلام است، نخستین بار به زبان عربی منتشر شد و گویارد آن را در پایان قرن نوزدهم به زبان فرانسوی برگرداند.^۳ از زمانی که مقدمه سیلوستر دوساسی بر مذهب دروزیه منتشر

1. Dussaud .R, Histoire et Religion des Nusairis, (Paris 1900).

برای آگاهی از تحقیقات اخیر درباره اندیشه های کلامی آنها بنگرید به:

(An Enquiry into it's Theology and Liturgy) Leiden, 2002 :The Nusayri - Alawi's Religion ,Kofsky .Bar Asher and A .M

درباره ظهور علویان به عنوان یک عامل بانفوذ و غالب در سوریه امروز بنگرید به:

Middle Eastern Studies , "The Alawi Capture of Power in Syria", D. Pipes, (25) 1989, 429 - 50.

۲. ۳. بنگرید به:

Laoust .H, "Ibn Taymiyya", (EI2 III) 1971, 951 - 55.

"Le Fetwa d'Ibn, (septieme serie) Journal Asiatique, (18) 1871, 158 - 98.

3. Guyard M. S. "Taumiyyah sur les Nusairis", 4.



شد، چاپ این مقاله نیز علاقه مؤسسه فرانسوی جامعه آسیایی را به سرزمینهای شرق مدیترانه و فرقه‌های موجود در آنها منعکس کرد.^۱ مطالعه و بررسی این فتوای خاص در آن زمان اهمیتی نداشت، اما امروزه اهمیت آن بیش از زمانی است که نخستین بار منتشر شد. شرایط این فرقه و تأثیر آن بر محیط اطرافش در زمان گویارد نامساعد بود.

امروزه که علویان نصیری تنها فرقه دارای سلطه و حاکمیت در جهان اسلام‌اند، بررسی فتوای ابن تیمیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طور کلی فتوای ابن تیمیه برای فهم تاریخ نصیریه - علویه و نیز درک دیدگاه اسلامی - مخصوصاً دیدگاه مذهب حنبلی - دربارهٔ هویت دینی این فرقه بسیار مهم است.^۲ ما فتاوای دیگر ابن تیمیه در محکومیت این فرقه را که تاکنون بررسی نشده در این مقاله بررسی خواهیم کرد.

نصیریه فرقه‌ای شیعی است که در سوریه و جنوب ترکیه پراکنده‌اند و تنها شاخه غلات شیعه کوفه‌اند که هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند. جمعیت آنها در سال ۱۹۶۴، ۶۰۰۰۰۰ نفر بود و ۱۱ درصد مردم سوریه را تشکیل می‌دادند که اکثریت سنی بودند. آنها در روستاها و شهرهای کوچک نزدیک ساحل غربی این کشور پراکنده شدند.^۳

→ متن عربی استفتاء: ص ۱۶۲ - ۱۶۷؛ متن عربی فتوا: ص ۱۷۸ - ۱۶۷. نسخه‌ای کامل و صحیح از ترجمهٔ ادوارد ای. سالیسوری در مجلهٔ آمریکایی مطالعات شرق JAOS شماره ۲، سال ۱۸۵۱، ص ۲۷۳ - ۳۰۰ وجود داشت که متن عربی اصلی آن مفقود شده است.

1. Silvestere De Sacy, Expose de la religion des Deruzes (1838, Paris).

یک فصل از این کتاب به نصیریه اختصاص یافته است: ص ۵۵۹ - ۵۸۹.
۲. این فتوا در نقطهٔ مقابل فتوای حاج امین الحسینی مفتی اورشلیم که در سال ۱۹۳۶ میلادی صادر کرد، قرار دارد که با مشخصات کتاب‌شناختی زیر منتشر شده است:

Boneschi "Une fatwa du grand Mufti de Jerusalem Muhammad Amin al - Hosayni sur les Alawtes", (RHR 122) 1960, P. 135 - 52, 43 - 54.

دیدگاه حاج امین که علویان را مسلمان می‌داند، نوعی گرایش پان عربی و احساس نیاز به همکاری بین ملی‌گرایان سوری و فلسطینی در سال ۱۹۳۰ میلادی را منعکس می‌کند.

3. H. Halm, "Nusayriyya", VIII, EI2, (1995), 148.



این مقاله در پی آن است تا تصویر دقیقی از فعالیتهای فقهی ابن تیمیه در این باره را در بافت شرایط تاریخی آن ترسیم کند.

فتوای اصلی و بررسی گویارد

غالب مورخان امروزی هنگامی که به جایگاه نصیریه در اسلام توجه می‌کنند، فتوای «الف» که در ذیل می‌آید را نمونه‌ای از حمله‌ی عالمان مسلمان به این فرقه که بدعتگرا تلقی می‌شد در نظر می‌گیرند. این فتوا یک قرن پس از حمله بیبرس (م ۶۷۶ ق / ۱۲۷۷ م) سلطان مملوک مصر به قلاع اسماعیلیه در سوریه، به دنبال نخستین تلاش ناکام او برای تغییر کیش نصیریه صادر شد.^۱ با وجود این، بررسی دوباره‌ی متن این فتوا که گویارد آن را منتشر کرده، سؤالاتی را درباره‌ی شناخت واقعی ابن تیمیه از نصیریه برمی‌انگیزد. نخستین بخش از این سند که یک استفتای بی‌نام است نشان می‌دهد که مردم شناخت و آگاهی فراوانی از مذهب سرّی این فرقه داشته‌اند. اما هیچ نشانی از این آگاهی و شناخت در پاسخ ابن تیمیه یافت نمی‌شود.^۲

الف. استفتا

نظر عالمان شریف و رهبران دینی درباره فرقه نصیریه چیست؟ خداوند از گناهان آنها بگذرد....

فتوا

«این جماعت [که در متن استفتا]^۳ نصیریه نامیده شده‌اند و فرقه‌های دیگری چون قرامطه، باطنیه (به ادامه مقاله بنگرید) بدعتگرا تر از یهودیان و مسیحیان و حتی به مراتب بدتر از مشرکان هستند. ضرر آنها به امت محمد [ص] از حمله ترکها (مغولها) و صلیبیون سنگین تر است...»^۴

1. Ibid, 149.

2. با آنکه با تأکید و به تفصیل این واقعیت را بیان نکرده‌ایم، اما پیشتر در کتاب زیر به آن اشاره شده است:

Dussaud, Histoire et religion des Nusairis, xxv - xxvi.

3. متن داخل قلاب از آن نویسنده مقاله است. (مترجم)

Guyard, 178 - 98.

4. برای ترجمه کامل این فتوا به زبان فرانسوی بنگرید به:

خلط بین نصیریه و اسماعیلیه

با آنکه استفتا درباره فرقه نصیریه است، اما پاسخ ابن تیمیه نشان می‌دهد که او این فرقه را بخشی از فرقه قرامطه شیعه اسماعیلیه تلقی کرده است.^۱ افزون بر این، همان طور که در ادامه ثابت خواهیم کرد، پرواضح است که او در ادامه فتوا بیش از همه به اسماعیلیه نظر دارد: الف. نام نصیریه فقط یک بار در کل فتوا و آن هم در عبارت آغازین متن تکرار شده است. اما در قسمت دیگر فتوا که ابن تیمیه از فرق گوناگونی چون ملاحده، اسماعیلیه، قرامطه، باطنیه، خرمیه و مخمره یاد می‌کند، نامی از فرقه نصیریه در میان نیست.^۲ این فهرست تقریباً مشابه کتاب فضایح الباطنیه غزالی (م ۵۰۵ ق / ۱۱۱۱ م) است که منحصرأً به اسماعیلیه پرداخته است.^۳ با وجود این، نسخه‌های دیگر این فتوا با نسخه گویند اختلاف دارد. اختلافاتی جدی بین سه مجموعه فتاوی ابن تیمیه با نامهای الفتاوی الکبری^۴، مختصر الفتاوی المصریه^۵ و مجموعه الفتاوی^۶ وجود دارد. در این متون که خود بر نسخه‌های دیگری مبتنی‌اند،^۷ نامهای این فرقه‌ها با نظمی متفاوت از نسخه خطی گویند فهرست شده و نام نصیریه به آنها افزوده شده است.^۸

۱. درباره قرامطه بنگرید به:

Sourdel .D, "Iraq", III, EI2, (1986), 1255; Duri .A .A, "Baghdad", I, EI2, (1986), 899 - 900.

۲. Guyard, 170.

۳. ابوحامد محمد غزالی، فضایح الباطنیه، قاهره، ۱۹۶۴، ص ۱۱. غزالی تبیینهای روشنی به این نامها افزوده است: همان، ۱۱ - ۱۷.

۴. تقی‌الدین ابن تیمیه، الفتاوی الکبری، بیروت، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۵۰۷.

۵. بدرالدین ابو عبدالله محمد بن علی، مختصر الفتاوی المصریه شیخ الاسلام احمد بن عبدالحکیم بن عبدالسلام بن تیمیه، قاهره، ۱۹۸۰، ص ۴۶۱. درباره نویسنده بنگرید به شماره ۱۵.

۶. عبدالرحمن بن محمد البخاری الحنبلی، مجموع الفتاوی شیخ الاسلام احمد بن تیمیه، قاهره، ۱۹۹۰، ص ۱۵۲.

۷. بنگرید به مقدمه مختصر، ص ۱۳ - ۱۴. به گفته Boneschi در "Une fatwa du grand Mufti de Jerusalem"...", 139n, 2.

۸. Mufti de Jerusalem فتاوی اصلی نخستین بار در قاهره در سال ۱۹۰۵ منتشر شد.

در سه نسخه امروزی که در بالا به آنها اشاره شد، نامهای موجود در فهرست به این ترتیب قید شده است: ملاحده، قرامطه، باطنیه، اسماعیلیه، نصیریه، خرمیه، مخمره.





ما نمی‌توانیم این امکان را نادیده بگیریم که نسخه گویارد متن اصلی ابن تیمیه است، در حالی که نسخ دیگر در دوره‌های بعدی تغییر کرده‌اند. تبیینهای زیادی را می‌توان دربارهٔ اختلاف این نسخه‌ها به دست داد. با وجود این، نمی‌توان در این واقعیت تردید کرد که نسخه‌های تغییر یافته با آن نسخه‌ای که در دست یکی از شاگردان ابن تیمیه با نام بعلی بوده، یکسان هستند. این نسخه از فتاوی همانی است که در کتاب مختصرالفتاوی ابن تیمیه، تألیف بدرالدین البعلی (م ۷۷۸ ق / ۱۳۷۶ م)^۱ منتشر شده است. در این صورت، نام نصیریه فقط در نخستین جمله فتوای اصلی دیده می‌شود.

ب. اتهامات کلامی بر ضد این فرقه همگی متوجه عقاید اسماعیلیه است. درست است که اتهاماتی نظیر تفسیر تمثیلی شریعت اسلامی و تأثیر فلسفه یونان را می‌توان به نصیریه نیز مربوط دانست، اما اتهامات دیگر را مانند آنچه به اخوان الصفا^۲ نسبت می‌دهند نمی‌توان به این فرقه نسبت داد.^۳

ج. ابن تیمیه در کنار این اتهامات کلامی به اتهامات تاریخی خاصی اشاره‌کنند که به احتمال خیلی زیاد نمی‌شود به نصیریه نسبت داد، بلکه می‌توان آنها را به فعالیت فرقه اسماعیلیه و دعوت آنها در طول قرنهای پیشین مربوط دانست. این اتهامات عمدتاً شامل قتل عام زائرانی که رهسپار مکه بودند، سرقت حجرالاسود از خانه کعبه، همکاری با دشمنان اسلام (مخصوصاً صلیبیون و مغولها)، تسلط بر مصر به مدت دو قرن (از ۹۶۹ تا ۱۱۷۱) و

۱. بدرالدین ابوعبدالله محمدبن علی الحنبلی البعلی، که به ابن اساسیلا معروف است، شیخ حنبلی لبنان بود. بنگرید به: مختصر، ص ۱۵.

۲. دربارهٔ این ۵۲ رساله گمنام اسماعیلی بنگرید به: Marquet .P, "Safa - Ikhwan al", (1975) III, E12, 1098 - 1103; Netton .R. I Ikhwan al - Safa, an Introduction to the Theology of the Brethren of Purity: Muslim Neoplatonists, (1982, London).

۳. محمد بن عبدالکریم الشهرستانی، الملل و النحل، بیروت، ۱۹۹۲، نصیریه: ۱۶۹ - ۷۰؛ اسماعیلیه/باطنیه: ص ۱۹۹ - ۲۰۵.

یاری رساندن به مغولها برای قتل خلیفه بغداد می‌شوند.^۱

با مطالعه فتاوی ابن تیمیه به این نتیجه کاملاً روشن می‌رسیم که او میان نصیرییه و اسماعیلییه خلط کرده و این امر از تصور غلط او مبنی بر اینکه نصیرییه بخشی از اسماعیلییه است ناشی می‌شود. می‌توان در توضیح این مطلب به این واقعیت تاریخی اشاره کرد که در قرنهای ششم / دوازدهم و هفتم / سیزدهم شاخه نزاری اسماعیلییه قلعه‌های بی‌شماری را در کوههای نصیرییه که اکنون جبل انصارییه نامیده می‌شود، به تصرف خود درآوردند. علاوه بر این، اسماعیلییه و نصیرییه به مدت دو قرن پیش از دوره ای که ابن تیمیه می‌زیست، قلمرو جغرافیایی مشترکی با یکدیگر داشتند.^۲ متون نصیری بر جای مانده از آن دوره از تأثیرات فراوان کلام اسماعیلی بر این فرقه خبر می‌دهند. یک مورخ علوی به نام الطویل در کتاب خود با عنوان تاریخ العلویین به جلسات صلح جویانه‌ای اشاره می‌کند که میان این دو فرقه در عانا و شافتا در سال ۶۹۰ هجری قمری به منظور ایجاد وحدت بین این دو گروه تشکیل شده است.^۳ با آنکه در دیگر منابع سخنی از این جلسات به میان نیامده، اما نمی‌توان در شباهتی که بین این دو فرقه در باب برخی از اصول کلامی مهم وجود دارد تردید کرد. به نظر می‌رسد تفکر نوافلاطونی و آثار نوافلاطونیان بر تقریر آموزه‌های اسماعیلی و نصیری تأثیر مستقیمی داشته است.^۴



1. Guyard, 169 - 70.

درباره تاریخ و عقاید کلامی اسماعیلییه بنگرید به:

Madelung .W, "Ismailiyya", (IV) 1978, EI2, 198 - 207.

A Radical Sect in Islam (Oxford 1967), 97 - 124. Lewis .B :The Assassins; Der Islam,

"Die Mufaddal - Tradition der Gulat und" (1975), 55, 261 - 63.

2. Halm .H, "die Ursprunge des Nusairiertums :Das Buch der Schatten".

۳. محمدمامین غالب الطویل، تاریخ العلویین، دارالاندلس، بیروت، ۱۹۶۶م / ۱۳۸۶ق، ص ۳۹۱ به بعد؛

Halm, "Nusayriyya", 147.

۴. تأثیر اسماعیلییه بر نصیرییه از نوشته‌های بازمانده از اواخر قرون وسطای آنها آشکار می‌شود. برای



فتوای ابن تیمیه از خلط بسیار رایج مسلمانان هم دوره او بین دو فرقه نصیری و اسماعیلیه که مرز جغرافیایی و کلام مشترک داشتند، حکایت می‌کند. همچنین این فتوا نشان از شکافی عمیق میان آگاهی وسیع از اسماعیلیان و اطلاعات اندک و ضعیف از فرقه نصیری دارد. این اختلاف را در اطلاعاتی که سنیها از این دو گروه در اختیار داشتند، می‌توان با توجه به این واقعیت توضیح داد که عقاید اسماعیلیان همزمان با دعوت دولت فاطمیان در قرن دهم در مصر و سوریه و شاخه نزاری آن در قرون ۱۱ و ۱۲ هجری اشاعه یافته بود. نصیری که گله بانانی ضعیف و ستم‌دیده بودند، برخلاف اسماعیلیه، از روش تقیه و کتمان عقاید دینی خود برای در امان ماندن از آزار و اذیت دیگران در سطحی وسیع استفاده کردند.^۱ می‌توان به

→ دوره‌های نگارش متون اصلی آنها بنگرید به:

Massignon .L, "Esquisse d'une bibliographie nusayrie", Opera Minora, (I) 1938, 640 - 49.

در متونی که از آن دوره در دست است، اصطلاحات اسماعیلی برای توضیح برخی از عقاید نصیری به خصوصاً تثلیث به کار رفته است که از آن جمله می‌توان به مواردی چون: معنا (معنی یا لوگوس)، حجاب (در، نیز اسم نامیده می‌شود) و باب (دروازه) اشاره کرد. بر اساس آموزه‌های اسماعیلیه، آفرینش (خلق) فرایند تجلی و ظهور است که منبع آن نفس کلیه و عقل کلی است: ماجد فخری، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه زیر نظر نصرالله پورجوادی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲، فصل اول.

نصیریان اصطلاحات اسماعیلی را برای توضیح آموزه خلقت در منابع متأخرشان به کار گرفته‌اند. برای نمونه بنگرید به:

Kitab al - Usayfir in (ES :here after) entitled Ecrits sacres des Nusayris ,1540 ,Fonds Arabe, Bibliotique Nationale: 16a, 9b. fol, 25b - 27b.

مثلاً نصیری به تثلیث را با اصطلاحات فلسفی عقل، عاقل و معقول توضیح می‌دهند. بنگرید به:

Munazirat al - sayh al - Nassabi, 87a, ES, fol.

درباره استعمال اصطلاح اسماعیلی اساس (جمع آن اُسوس، اصل اولیه این کلمه) بنگرید به:

A.Kofsky, "an Early Pseudepigraphie Nusayri Work :The Theology of Kitab al - Usus",

M. Bar Asher and, (1997) RSO 71, 55 - 81.

R. Strothmann, "Taqiyya", (EI2, II) 1934, 659 - 61.

۱. بنگرید به:

فقدان اطلاعات ابن تیمیه درباره فرقه نصیرییه از فتاوی دیگر او نیز که در سوریه بر ضد این فرقه صادر کرده، پی برد. ما در ادامه به این فتاوی خواهیم پرداخت.

فتاوی دیگر

دو فتاوی دیگر ابن تیمیه درباره نصیرییه در کتاب الفتاوی الکبری او موجودند: این دو فتوا از فتاوی نخست که قبلاً بررسی شد کوتاه‌ترند، اما عناصر مشترکی با آن دارند. گنجاندن فرقه دروزیه در فتاوی که در محکومیت نصیرییه صادر شد، نخستین فتاوی کوتاه حکم فقهی کلی ای است در این باره که مسلمانان چگونه باید با فرقه های دروزیه و نصیرییه رفتار کنند:

ب. استفتا

سؤالی در اینجا مطرح می‌شود: حکم [اسلام] درباره دروزیه و نصیرییه چیست؟

فتوا

«این فرقه های دروزیه و نصیرییه براساس رأی همه مسلمانان بدعتگرا هستند؛ خوردن گوشت حیوانات ذبح شده به دست آنها حرام است و یک مسلمان نمی‌تواند با زنان ایشان ازدواج کند. آنها از پرداخت جزیه سرباز می‌زنند و لذا بجاست که ایشان را مرتد بنامیم. آنها نه مسلمان‌اند نه یهودی و نه مسیحی. آنها به نمازهای پنج‌گانه، روزه ماه رمضان و حج ملتزم نیستند و چیزهایی مانند خوردن گوشت مردار و نوشیدن شراب را که خداوند حرام کرده، حرام نمی‌دانند. حتی اگر در ظاهر به اسلام اقرار کنند و اصول آن را بپذیرند، همه مسلمانان باید آنها را بدعت گذار بدانند. نصیرییه فرقه ای است که ابوشعیب محمدبن نصیر یکی از غلات شیعه آن را پایه گذاری کرده و معتقد است که علی [ع] خداست. آنها [نصیرییه] این عبارات را هر روز تکرار می‌کنند: من شهادت می‌دهم که خدایی جز حیدر [شیر، یکی از القاب علی بن ابی‌طالب] متعال، ولیی جز محمد درستکار و امین و راهی برای رسیدن به او جز سلمان قادر وجود ندارد. اما درباره دروزیه ... [عقاید ایشان را شرح می‌دهد]^۱»

این فتوا در میان فتاوی دیگر می‌تواند افزوده بعدی بدرالدین البعلی باشد، زیرا هرگز نشانی





از این فتوای خاص در برخی از نسخه‌های الفتاوی الکبری یافت نمی‌شود.^۱ متونی که به دست بعلی، شیخ حنبلی بعلبک، نوشته شده، حاکی از گرایش شدید او به گنجاندن دروزیان در حملات برضد نصیریه است. این گرایش را می‌توان در نسخهٔ مختصر او از فتوای اصلی ابن تیمیه که پیش‌تر آن را بررسی کردیم، مشاهده کرد؛ بعلی به ادامهٔ نخستین جمله: «این مردمان نصیریه نامیده می‌شوند»، جملهٔ «...آنها در کوههای دروز شام [سوریه بزرگ] ساکن‌اند.»^۲ را می‌افزاید. این جزئیات جغرافیایی در هیچ یک از نسخ دیگر فتوای اصلی ابن تیمیه در محکومیت نصیریه وجود ندارد.

فتوا بر ضد مهدی نصیری

دومین فتوای کوتاه به یک موضوع خاص می‌پردازد: شورش گله‌بانان نصیری به رهبری یک پیشوای محلی که ادعا می‌شد محمد بن حسن المهدی (امام دوازدهم و آخرین امام شیعیان) است:^۳

ج. استفتا

یک سؤال: دربارهٔ گروهی از گله‌بانان که به عقیدهٔ نصیری معتقدند؛ همهٔ آنها به انسانی معتقدند و دیدگاه‌های گوناگونی دربارهٔ او دارند. برخی او را خدا دانند، برخی می‌گویند او پیامبری است که [از جانب خداوند فرستاده شده]، برخی

۱. در نسخه بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۷ که ما در اینجا از آن استفاده کرده‌ایم، این فتوا که بر ضد نصیریه و دروزیه صادر شده، همان نسخهٔ قبلی این فتواست که بر ضد مهدی صادر شده بود. در یک نسخهٔ مصری دیگر هرگز از این فتوا سخنی به میان نمی‌آید. مثلاً بنگرید به: الفتاوی الکبری، قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۹۶۶.

2. Ibid, 460.

۳. در دیدگاه شیعیان، مهدی (کسی که خدا او را هدایت کرده) آخرین جانشین پیامبر اسلام است که در قرن سوم هجری / نهم میلادی غایب شد و در آخرالزمان ظهور می‌کند تا پیروان خود را نجات دهد و عدل و داد را برپا کند. بنگرید به:

W. Madelung, "Mahdi", (1985) EI2, v, 1221 - 28.

دیگر هم قائلند به اینکه او محمد بن حسن یعنی مهدی است. آنها دستور داده‌اند که هرکس او [یعنی مهدی] را ملاقات کرد باید در مقابل او به خاک بیفتد. ایشان با انجام چنین کاری بدعت خویش را آشکار کرده‌اند و صحابه پیامبر را لعن می‌کنند. آنها نافرمانی خود را علنی کرده‌اند و سودای نبرد با مسلمانان را در سر می‌پرورند. آیا ما موظفیم که با آنها بجنگیم و جنگجویان آنها را به قتل برسانیم؟ آیا ما مجازیم کودکان آنها را به اسارت بگیریم و دارایی ایشان را به تصرف خود درآوریم؟

فتوا

«ستایش مخصوص خداوند است. باید با اینها [نصیری‌ها] تا مادامی که مخالفت می‌کنند بجنگید تا اینکه به شریعت اسلام گردن نهند. نصیری‌ها از بدترین بدعت‌گذاران هستند که شیطان آنها را هدایت می‌کند. آنها از بدترین مرتدان هستند؛ جنگجویان ایشان را باید کشت و دارایی آنها را باید تصرف کرد. [در بخش بعدی درباره این سؤال که چگونه با کودکان آنها باید رفتار کرد و آیا باید آنها را به اسارت و بردگی گرفت یا نه، بحث می‌کند] ... نصیری‌ها عقاید دینی خود را کتمان نمی‌کنند. علاوه بر این، همه مسلمانان آنها را به خوبی می‌شناسند. آنها به گزاردن نمازهای پنج‌گانه ملتزم نیستند، ماه رمضان را روزه داری نمی‌کنند و فریضه حج را به جای نمی‌آورند. آنها از پرداخت زکات سرباز می‌زنند و این عمل را تکلیفی برای خود نمی‌دانند. نصیری‌ها شرب خمر و سایر امور حرام را مجاز می‌دانند. آنها معتقدند که علی [ع] خداست و می‌گویند: "من شهادت می‌دهم که هیچ راهی برای رسیدن به او جز حیدر متعال و هیچ ولیی جز محمد درستکار و امین نیست و شهادت می‌دهم که هیچ راهی برای رسیدن به او جز سلمان قادر وجود ندارد." آنها حتی اگر عقاید افراطی خویش را آشکار نکنند و اعلام نکنند که این کذاب مهدی منتظر است، باز باید با ایشان جنگید. این همان شیوه برخوردی است که پیامبر درباره خوارج به علی بن ابی‌طالب دستور داده بود^۱ ... [ادامه این فتوا به گفت‌وگو درباره غنائم و اموال

۱. خوارج کسانی بودند که از اردوگاه علی [ع] گریختند و بعداً به یک فرقه اسلامی تبدیل شدند. بنگرید به:

Levi Della Vida .G, "Khawarij", (v) 1985, EI2, 1106 - 1109.





آنها و اینکه اگر آنها محاصره شدند و از کرده خویش پشیمان شدند، چگونه باید با ایشان رفتار کرد، اختصاص دارد] ... آنها ملزم اند از قوانین اسلام تبعیت کنند و اگر از این کار سرباز زدند باید کشته شوند... کسانی را که آنها از راه به در می‌کنند، حتی اگر ابراز ندامت کنند باید کشت... بنابراین، بی‌هیچ تردیدی، این شیطان (مهدی نصیری) باید کشته شود. خدا بهتر می‌داند.^۱ مهم است به این نکته اشاره کنیم که این آخرین فتوا پیامد شورشی است که در جیل سوریه در سال ۷۱۷ ق / ۱۳۱۷ م رخ داد؛ واقعیتی که در تحقیقات امروزی به آن بی‌توجهی شده است.^۲ ارتباط بین آن فتوا و این حادثه برای تعیین تاریخ حملات ابن تیمیه به این فرقه که در ادامه توضیح خواهیم داد اهمیت دارد.

این دو فتوای کوتاه به وضوح نشان می‌دهند که شناخت و آگاهی ابن تیمیه از آموزه‌های این فرقه براساس منابع خود این فرقه نیست، بلکه برپایه اطلاعاتی که از متن استفتای مردم محلی سوریه به دست آورده، استوار است. این فرض ما بر این واقعیت مبتنی است که ابن تیمیه در اتهاماتی که در این دو فتوای کوتاه ب و ج به این فرقه وارد می‌کند، همان چیزهایی را که در متن استفتا گفته شده تکرار می‌کند. این مطلب آنگاه آشکار می‌شود که بدانیم او شهادت نصیریه بر تثلیث محمد - علی - سلمان را تقریباً کلمه به کلمه از متن استفتا نقل می‌کند.^۳

۱. ابن تیمیه، الفتاوی الکبری، ج ۳، ص ۵۱۳ - ۱۴.

۲. ابن کنیر، البدایة و النهایة، داراحیاء التراث العربی، بیروت، الجزء الرابع عشر، ص ۹۵؛

Dussaud, 23 - 25.

۳. مقایسه کنید با نسخه تقریباً مشابه شهادت در گوینارد، ۱۶۴. اختلاف این دو نسخه در نام علی به جای حیدر است. اگرچه مردم محلی سوریه اطلاعات مکتوبی از خود به جای نگذاشته‌اند (کتابها در این استفتا ذکر نشده است)، نباید ارزش و اهمیت اخبار شفاهی را که آنها شنیده‌اند نادیده گرفت. ما دوباره به متن شهادت این فرقه درباره تثلیث در یک نسخه متفاوت در کتاب نیایش نصیریه یعنی کتاب المجموع برخوردیم که سلیمان الاذانی در کتاب خود با عنوان الباکورة السلیمانیة فی کشف آثار الدیانة النصیریة، بیروت، ۱۸۶۴، ص ۱۶

دو فتوای ب و ج اجزای دیگری از استفتا از جمله عقیده به الوهیت علی و مخالفت با ارکان پنج‌گانه اسلام را از استفتای الف نقل می‌کنند.^۱ تنها چیزی که ابن تیمیه به اطلاعات موجود در متن استفتای الف می‌افزاید، این است که نصیریه پیروان محمد بن نصیر هستند؛^۲ واقعیتی که از قرن ششم هجری برای ملل و نحل نویسان^۳ مسلمان شناخته شده بود.^۴ به نظر می‌رسد ابن تیمیه از شناخت موجود در پرسش مردم محلی سوریه که احتمالاً اطلاعات بهتری درباره عقاید دینی این فرقه به دست می‌دهد، استفاده کرده است. اما حتی نمی‌توان گفت آن شناخت که به تفصیل در استفتای الف آمده، صرفاً و فقط بر پایه شایعات شکل گرفته است، زیرا در هیچ کتاب خاصی و در هیچ یک از تبیینها ذکر نشده که نصیریه اعتقادات دینی خود را از سایر مسلمانان کتمان می‌کنند.^۵ با آنکه دو فتوای کوتاه ب و ج به نصیریه می‌پردازند و این فرقه را با سایر فرق خلط نمی‌کنند، با این حال تصویری محدود و ناقص از اعتقادات دینی آنها فراروی مانهند. با این همه، بررسی این متون برای تعیین تاریخ نگارش آثار ابن تیمیه لازم است.



→ غ ۱۴ نقل کرده: «من شهادت می‌دهم که خدایی جز علی بن ابی طالب متعال، هیچ ولیی جز محمد امین و هیچ راهی جز سلمان برای رسیدن به خدا برای پرستش کنندگان وجود ندارد.» درباره تثلیث نصیری بنگرید به:

A. Kofsky, "13th Century / The Nusayri doctrine of Ali's Devinity and the Nusayri Trinity according to an unpublished Treatise from 7th", M. Bar Asher and Der Islam 72, (1995), 258 - 920.

۱. الفتاوی الکبری، ج ۳، ص ۵۱۳ - ۵۱۵ مقایسه کنید با: Guyard, 162 - 65.

۲. همان، ص ۵۱۳.

3. Heresiographers.

۴. شهرستانی، الملل والنحل، ص ۱۹۲ - ۹۳.

5. Guyard, 163.



زمینه و بافت تاریخی

بررسی فتاوی سه‌گانه ابن تیمیه در محکومیت نصیریه به ما این امکان را می‌دهد که درباره ترتیب نگارش آنها نتایجی بگیریم. با آنکه فتوای سوم به وضوح به شورش مهدی نصیری در سال ۷۱۷ ق مربوط است، نمی‌توان دوره خاصی را برای فتوای دوم که به دروزیه و نصیریه اختصاص دارد، تعیین کرد. با وجود این، اولین فتوا را که گویند بررسی کرده باید به لحاظ ترتیب زمانی نخستین فتوا تلقی کرد، زیرا همان طور که قبلاً ثابت کردیم، بخشهایی از متن استفتای آن در دو فتوای بعدی تکرار می‌شود.

به گفته ابن وردی مورخ این فتوا ممکن است در سال ۷۰۵ ق / ۱۳۰۵ م که ابن تیمیه فتوایی را بر ضد نصیریه صادر و با هجوم و یورش به آنها برای ایجاد امنیت در راههای الذینین موافقت کرد، به نگارش درآمده باشد.^۱ این حمله بخشی از حمله حکومت ممالیک به شیعیان قسروان^۲ بود که ابن تیمیه آنها را مانند نصیریه به همکاری داشتن با مغولها و صلیبیون متهم کرد.^۳ اما به احتمال زیاد این فتوا در زمان نگارش فتوای سوم، یعنی در زمان شورش مهدی نوشته شده است.

یک دلیل روشن بر این مدعایمان این است که مقریزی (۸۴۵ ق / ۱۴۴۱ م) هنگامی که به توصیف این شورش می‌پردازد، بخشی از استفتای اصلی را لفظ به لفظ نقل می‌کند. او نقل می‌کند که نصیریان «شرب خمر را حلال می‌دانند، به تناسخ معتقدند، عالم را قدیم می‌دانند، رستاخیز و بهشت و جهنم را منکرند و معتقدند که نمازهای پنج‌گانه در وجود اسماعیل [در

۱. عمر بن الوردی، تاریخ بیروت، نجف، ۱۹۶۹، ج ۲، ص ۳۶۳؛

Lammens .H, "A propos dun livre recent? Les Nusairis furent - ils chretiens", (1899, Aout) ROS 35.

الضنینین یا الذینین که امروزه به الذنیه معروف است، منطقه ای کوهستانی بین بیروت و تریپولی است، بنگرید به: عمر عبدالسلام التدموری، تاریخ طرابلس، بیروت، ۱۹۸۱، ص ۹۷.

2. Laoust, 952.

3. Laoust, 951.

استفتای: علی] حسن، حسین، محسن و فاطمه متجلی است ... و اینکه علی بن ابی طالب خداست.^۱ نقل کامل استفتای ج هیچ تردیدی در دیدگاه مقریزی مبنی بر اینکه فتوای اصلی الف در محکومیت این فرقه با حوادث محلی جبل در سال ۷۱۷ ق / ۱۳۱۷ م مرتبط است، باقی نمی‌گذارد.

در هر صورت، روشن است که فتاوی ابن تیمیه در جهت نیاز ممالیک به حمایت دینی - اخلاقی از دو حمله‌ای صادر شده که به قصد سرکوب نصیریه و دیگر عوامل شورشگر صورت گرفت. با این حال، بیشتر مسلمانان با سرکوب کامل این فرقه که یکی از اهداف اصلی این فتوا بود موافقت نکردند، زیرا ظاهر امر نشان می‌دهد که آنها در جنگ با صلیبیون مشارکت داشتند. این واقعیت روشن می‌سازد که چرا ابن تیمیه در فتوای اصلی خود از پذیرفتن کمک آنها که ممکن بود مقدمه‌ای برای پذیرش آنها به عنوان بخشی از امت مسلمان تلقی گردد، بسیار ابا دارد. او نصیریه را با منافقان، یعنی مسلمانان عصر پیامبر که قبلاً به اسلام نگرویده بودند و از درون به اسلام ضربه زدند برابر می‌داند. او می‌افزاید: «به کارگیری این مشرکان منافق ... در اردوگاهها، دژها و سپاه مسلمانان مانند به کارگیری گرگها برای چراندن گوسفندان است ...»^۲

نتیجه

ما براساس شواهد موجود نتیجه می‌گیریم که فتوای اصلی ابن تیمیه در محکومیت نصیریه بر اطلاعات ناقص و دست دوم او از این فرقه و استدلال فقهی او بر این تصور غلط استوار است که آنها اسماعیلی بودند. گویا هدف این فتوا صدور مجوزی برای سرکوبی این فرقه در جبل و الذینین بود. این فتوا صرف نظر از این برخوردهای محلی، ظاهراً تأثیر ناچیزی بر امت مسلمان داشته است، زیرا بخش اعظمی از مسلمانان سرکوب کامل این فرقه را نپذیرفتند. حمله نظامی به نصیریه نیز که در سال ۷۴۵ ق / ۱۳۴۴ م رخ داد، موفقیتی در

۱. تقی‌الدین احمد بن علی المقریزی، کتاب السلوک لمعرفة دول الملوک، قاهره، ۱۹۷۱، ج ۲، ص ۱۷۸. مقایسه

کنید با:

Guyard, 162 - 64.

2. Guyard, 174.





تغییر کیش آنها در پی نداشت؛ می‌توان این مطلب را در توصیفی که ابن بطوطه از آن دوره به دست می‌دهد مشاهده کرد.^۱ ابن بطوطه (۷۷۹ ق / ۱۳۷۷ م) منافع اقتصادی و نه دینی را موجب صدور حکم به انزوای نصیریه که به زمینهای مسلمانان برای کشت و زرع نیاز داشتند، می‌داند.^۲ در نخستین استفتا سؤالی وجود داشت که ثابت می‌کرد نصیریه در معادلات سیاسی آن زمان مسلمانان سهم ناچیزی داشته‌اند:

آیا می‌توان کسی را که فی سبیل الله بانصیریه می‌جنگد یک مجاهد تلقی کرد؟
آیا باید به آنها نیز مانند سایر مجاهدان در اردوگاه مرزی نزدیک دریا که مانع حملات صلیبیون می‌شوند، حقوق پرداخت کرد؟... آیا کشتن آنها مهم‌تر است یا جنگیدن با مغولها، چینیان و آفریقایها؟ کدام یک بهتر است؟^۳

رای ابن تیمیه مبنی بر اینکه نصیریه مرتکب گناه شده‌اند و با اهل رده یکسان‌اند، پس سزاوار مرگ‌اند، هیچ تأثیری در درازمدت نداشته است. حتی ایجاد انگیزه برای اینکه آنها به اجبار به اسلام بگروند مدت درازی نیابید و مساجدی که ممالیک در روستاهای آنها ساختند هرگز به کار نمازگزاران آنها نیامد.^۴ این فرقه تا به امروز در همان مناطق به حیات خود ادامه داده و اعتقادات دینی خود را حفظ کرده است.

با این حال، نباید تأثیر ابن تیمیه را در دیدگاه مسلمانان قرون وسطی نسبت به نصیریه

1. Halm, "Nusayriyya", 147.

2. ابن بطوطه، تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار، رباط، ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۲۹۲.

3. Guyard, 166.

4. درباره دستور ساختن مساجدو جلوگیری از مناسک خطاب (نامزدی) که برای تازه واردان به حلقهات نصیریان انجام می‌شد، بنگرید به: المقریزی، ص ۱۷۸. درباره این منسک که در منابع نصیری تعلیق نامیده می‌شود، بنگرید به عهدنامه‌ای درباره تکالیف امام که در 66 - 155, Es Paris 1540, fol منتشر شده است. در این منبع که تاریخ انتشار آن ۱۲۱۱ ق/ ۱۷۹۶ م است، مناسک تشرف با مناسک ازدواج مقایسه می‌شود: Ibid, fol, 161.

درباره توجه نکردن نصیریان به مساجد بنگرید به: ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۹۱:

Halm, "Nusayriyya", 149.

دست کم گرفت. با آنکه این فتوا به لحاظ سیاسی زمانش کوتاه بود، اما تأثیرات مرگباری داشت. اطلاعات ما درباره پیامدهای اجتماعی آن بسیار ناچیز است. نگرش منفی به نصیریه، ویژگی بارز عالمان سنی دوره ممالیک است که بسیاری از آنها از آثار ابن تیمیه تأثیر پذیرفته بودند.^۱ باید به این مطلب اشاره کرد که دوپست سال حکومت مسیحیان (اهالی بیزانس و صلیبیون) و سپس اسماعیلیان (نزاریه - باطنیه) در قلمروهای نصیریه باعث شد گرایش آنها به علمای سنی ضعیف‌تر شود. این مطلب در استفتای الف به خوبی توضیح داده شده است: «نحوه رفتار آنها از دید بسیاری از مردم دوره اشغال صلیبیون پنهان ماند، آنگاه که آنها در سرزمینهای ساحلی پراکنده شدند. هنگامی که اسلام ظهور کرد شیوه‌های رفتار و اعتقادات غلط آنها پوشیده ماند.»^۲

اشارات ضمنی جدید

مکتب حنبلی ابن تیمیه پس از قرن‌ها انزوا موقعیت برجسته خود را در دوره مدرن به شکل نهضت وهابیت و دولت سعودی بازیافت. امروزه مکتب اعتقادی او الهام بخش بسیاری از گروه‌های مسلمان است. به نظر می‌رسد از دهه ۱۹۷۰ م که فرقه ضعیف و ستم‌دیده نصیریه، یا همان علویان امروز، بر حزب بعث سوریه غالب شد، فتاوای ابن تیمیه ابعاد جدیدی پیدا کرده و اهمیت سیاسی آن بیش از زمان صدور آنهاست.

می‌توان به میزان حساسیت و توجه رهبران علوی سوریه به این موضوع و نیاز آنها به مشروع جلوه دادن حکومت خود به عنوان نظام اسلامی و همچنین نیاز توده علویان به ادغام شدن در جهان عرب در آثار دفاعیه پردازانه فراوانی که در این زمینه نوشته شده پی برد.^۳ نمونه بارز این پدیده‌ها را می‌توان در کتاب اخیر دو تن از متفکران علوی در لبنان، احمد

۱. دیدگاه ابن تیمیه درباره این فرقه را می‌توان در آثار دو تن از مورخان معروف دوره ممالیک یعنی ابن کثیر و مقریزی مشاهده کرد. بنگرید به: ابن کثیر ۸۳ - ۸۴ / ۱۴ و مقریزی، ۱۷۸.

2. Guyard, 165.

۳. بنگرید به:

Sabrina Mervin du la fin de l'Empire ottoman a l'indépendance du Liban (actuel Liban

- Sud) ulemas et letters du Gabal Amil :Un reformisme chiite, (2000 ,Paris), 321 - 29.





علی حسن و حمید حسن، یافت که نشان می‌دهد هنوز بحث درباره فتوای ابن تیمیه بسیار مطرح است. آنها کتاب خود با نام علویان مسلمان را در پاسخ به یک نویسنده لبنانی دیگر به نام دکتر عبدالسلام التدموری نوشته‌اند. التدموری در کتاب خود با عنوان تاریخ طرابلس فتوای الف در محکومیت این فرقه را نقل می‌کند.^۱

حملات علویان بر دیدگاه‌های ابن تیمیه از این روست که مدعی‌اند او شکاف و دودستگی بین شیعه و سنی را عمیق‌تر کرد و نه تنها خشونت و خشم مردم را بر ضد نصیریه، بلکه بر ضد تمام شیعیان برانگیخت. از دیدگاه ایشان این امر نشان می‌دهد که رقابت بین سنیان که ابن تیمیه نماینده آنهاست و شیعیان که نصیریه - علویه خود را بخشی از آنها می‌دانند چقدر عمیق شده است.^۲

موضوع حمله ابن تیمیه به این فرقه، اختلاف بین نظر و عمل در اسلام را آشکارا نشان می‌دهد. همچنین این امر نمونه‌ای از تأثیر مستقیم حوادث قرون وسطی بر تاریخ امروز جهان اسلام است.

می‌توان براساس تحقیقات دانشگاهی ثابت کرد که فتاوی ابن تیمیه در محکومیت نصیریه در اصل به موارد محدود و محلی مربوط است و تأثیر کوتاه مدتی داشت. همچنین ما بر این باوریم که این فتاوی بر تصور غلط و اطلاعات شفاهی و ناقص استوار است. با این حال، نمی‌توان تأثیر سیاسی آنها را بر جوامع اسلامی امروز منکر شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. التدموری، تاریخ طرابلس، ص ۹۴ - ۱۰۵.

۲. احمدعلی حسن و حمید حسن، المسلمون العلویون فی لبنان، بیروت، ۱۹۸۹، ص ۵۸ - ۱۲۲. درباره ادعای علویون مبنی بر اینکه بخشی از بدنه اصلی شیعه یعنی جعفریه یا مکتب امامیه هستند، بنگرید به: هاشم عثمان، هل العلویون شیعة؟ بیروت، ۱۹۹۴، ص ۴۱ - ۱۲۵.